



خبرنامه پاییز ۱۳۹۸ انجمن روان شناسی اجتماعی ایران



خبرنامه انجمن روان شناسی اجتماعی ایران

«پاییز ۱۳۹۸؛ شماره ۲۲»

نشانی دفتر یکم انجمن: تهران، خیابان کریم خان زند، نبش آبان شمالی، ساختمان علامه اقبال ۲۰۹

شنبه و دوشنبه‌ها: سرکار خانم سیمیاریان ۸۱۰۳۲۲۱۳

نشانی دفتر دوم انجمن: تهران، خیابان نجات الهی، نبش سپند، ساختمان آموزشی دانشگاه پیام نور اطاق ۳۰۴

یکشنبه تا چهارشنبه: سرکار خانم جعفری ۸۸۸۰۷۵۸۹

۸۸۸۰۷۵۸۹-۸۱۰۳۲۲۱۳

تلفن‌های تماس:

www.iranianasp.ir

وبسایت:

Info@iranianasp.ir

رایانامه:



آنچه در شماره پاییز ۱۳۹۸ می‌خوانید

- ۴ اطلاعیه پذیرش عضو فعال در کارگروه‌های انجمن
- ۵ انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران نماینده فعال می‌پذیرد
- ۶ پیشگامان روان‌شناسی اجتماعی (۸)
- ۱۹ حیوان‌آزاری ریشه در کودکی افراد دارد
- ۲۲ علوم اعصاب اجتماعی
- ۲۶ ناهمخوانی خود کودکان و بالغانه در کودکان
- ۳۰ دفاع از پایان‌نامه
- ۳۳ ماهنامه اینترنتی پروانه (۷)
- ۳۴ معرفی کتاب (۲ مورد)
- ۳۸ شماره جدید نشریه‌های انجمن
- ۴۱ شرایط عضویت در انجمن
- ۴۲ همکاری در تدوین خبرنامه



مدیر مسئول: دکتر مجید صفاری‌نیا

سر دبیر: دکتر مجتبی دلیر

همکاران این شماره

Majid Saffarinia (Ph. D)

دکتر مجید صفاری‌نیا

Mojtaba Dalir (Ph. D)

دکتر مجتبی دلیر

Zohre Rafezi (Ph. D)

دکتر زهره رافضی

Sepideh Esmaili

سپیده اسماعیلی

Shahla Zormand Bonab

شهلا زورمند بناب





اطلاعیه پذیرش عضو فعال در کارگروه‌های انجمن



بدینوسیله به اطلاع می‌رساند که در پی انعقاد تفاهم‌نامه همکاری مشترک میان انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران و پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات و همچنین ستاد توسعه علوم و فناوری‌های شناختی، کارگروه‌های انجمن جهت همکاری عضو فعال می‌پذیرد. داوطلبان فعالیت باید حداقل دانشجوی کارشناسی ارشد در یکی از رشته‌های روان‌شناسی یا علوم شناختی و عضو پیوسته انجمن روان‌شناسی اجتماعی باشند. جهت کسب اطلاعات بیشتر با شماره زیر، روابط عمومی انجمن تماس بگیرید.

روابط عمومی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

شماره تماس جهت هماهنگی ۸۱۰۳۲۲۱۳



انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران نماینده فعال می‌پذیرد



انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران در نظر دارد از میان روان‌شناسان دارای عضویت هیأت علمی با حداقل مرتبه استادیاری در سراسر کشور نماینده فعال بپذیرد. بدینوسیله از تمامی افراد علاقمند دارای شرایط فوق دعوت می‌شود تصویر مدارک زیر را از طریق رایانامه به دفتر دبیرخانه انجمن ارسال بفرمایند.

۱- آخرین مدرک تحصیلی

۲- حکم کارگزینی

۳- درخواست کتبی

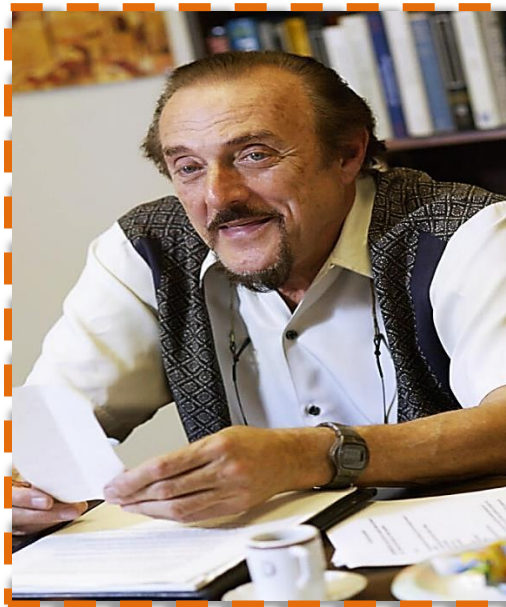
۴- رزومه فردی

روابط عمومی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

Info@iranianasp.ir



پیشگامان روان‌شناسی اجتماعی (۸)



فیلیپ جورج زیمباردو

ترجمه سیده اسماعیلی

عضو انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

فیلیپ جورج زیمباردو (Philip George Zimbardo) متولد ۲۳ مارچ ۱۹۳۳ در نیویورک آمریکا روان‌شناس و استاد ممتاز بازنشسته در دانشگاه استنفورد است. آزمایش معروف او در سال ۱۹۷۱ به نام "آزمایش زندان استنفورد" و همچنین تألیف و نویسندگی بسیاری از کتاب‌های روان‌شناسی مقدماتی و کتاب‌های درسی دانشگاه‌ها و دیگر آثار برجسته او نظیر؛ اثر شیطان، پارادوکس زمان و زمان درمانی، او را به شهرت رساند. او همچنین بنیان‌گذار و رئیس پروژه "تصور قهرمان بودن" نیز است.

دوران اولیه زندگی

زیمباردو در تاریخ ۲۳ مارچ ۱۹۳۳ در نیویورک به دنیا آمد. خانواده او در اصل اهل سیسیل ایتالیا بودند که قبل از تولد او به آمریکا مهاجرت کرده بودند. از همان ابتدا، زندگی به عنوان یک فرد



ایتالیایی و رشد در یک فضای فقیرانه، طعم تبعیض و تعصب را به او چشاند و اغلب به خاطر مسائل نژادپرستی و قومیتی توسط یهودی‌ها و پورتوریکویی‌ها و سیاه‌پوستان، اشتباه قضاوت می‌شد. زیمباردو گفته است که همین تجربیات منفی در دوران اولیه زندگی، او را نسبت به رفتارهای مردم کنجکاو کرده است و همچنین در تحقیقات مدرسه او نیز مؤثر بوده است. او در سال ۱۹۵۴، لیسانس خود را در سه رشته روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و انسان‌شناسی در دانشکدهٔ برکلین تکمیل کرد و به عنوان دانشجوی ممتاز شناخته شد. او همچنین فوق‌لیسانس خود را در سال ۱۹۵۵ و نیز دکتری خود را در سال ۱۹۵۹ در رشته روان‌شناسی از دانشگاه ییل دریافت کرد و در طول دوران تحصیل خود در دانشگاه ییل، "نیل میلر" مشاور او بود. او از سال ۱۹۵۹ تا ۱۹۶۰ یعنی به مدت یکسال مشغول به تدریس در دانشگاه ییل شد و از سال ۱۹۶۰ تا ۱۹۶۷، استاد روان‌شناسی در دانشکده علم و هنر در دانشگاه نیویورک بود. بعد از آن نیز به مدت یکسال در دانشگاه کلمبیا تدریس کرد و سرانجام در سال ۱۹۶۸ عضو اساتید دانشگاه استنفورد شد.

مطالعه و بررسی زندان استنفورد

زمینه آزمایش

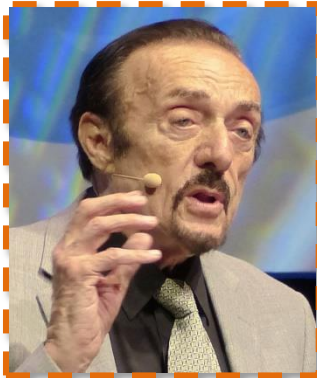
در سال ۱۹۷۱، زیمباردو پذیرفت که به عنوان یک استاد روان‌شناس رسمی، در دانشگاه استنفورد کار کند و با سرمایه دولت در دفتر تحقیقات نیروی دریایی آمریکا، مطالعات زندان استنفورد را اجرایی کرد. برای شروع آزمایش، ابتدا ۷۰ دانشجوی مرد انتخاب شدند و به طور تصادفی برای نقش "زندانی" و "نگهبان"، در یک زندان آزمایشی که در زیرزمین دانشکده روان‌شناسی دانشگاه استنفورد واقع شده بود، برگزیده شدند. هدف او از این آزمایش، بررسی اثرات روانی بر روی دانشجویانی بود که به صورت تصادفی، زندانی یا زندانبان شده بودند. در سال ۱۹۹۷ دانشگاه استنفورد، جزئیات اهداف این آزمایش را در مقاله‌ای شرح داد: دلیل اصلی زیمباردو برای انجام این آزمایش، تمرکز بر قدرت نقش‌ها، قوانین، نمادها، هویت و نقش گروه‌ها و صحت و اعتبار حالت‌های رفتاری بود که به طور کلی، رفتارهای عادی هر فردی را پس می‌زند. زیمباردو در



تابستان ۱۹۹۶، در نشست علمی تورنتو گفت: «من سال‌ها بر موضوعاتی از جمله: شخصیت‌زدایی، خرابکاری (وندالیسم) و انسانیت‌زدایی، تحقیقاتی انجام داده‌ام که نشان داده است که هنگامی که افراد عادی در موقعیتی قرار می‌گیرند که کسی آنها را نمی‌شناسد و یا تحت تأثیر دیگران، حس کنند که کمتر خوی انسان دوستانه دارند (مثل یک دشمن)، می‌توانند به راحتی به سمت انجام رفتارهای ضداجتماعی سوق یابند.»

آزمایش

زیمباردو خود به شخصه در این آزمایش شرکت کرد و نقش "سرپرست زندان"، کسی را که می‌توانست در حل مشکلات بین هر دو گروه (زندانیان و نگهبانان) حضور داشته باشد، بر عهده گرفت. زیمباردو، نگهبانان را تعلیم داد تا بدون استفاده از خشونت‌های فیزیکی، راهی پیدا کنند تا بر زندانیان تسلط یابند. روش‌هایی مثل: محرومیت زندانیان از خواب و شکنجه به وسیله زندان انفرادی. ولی بعدها در آزمایش، نگهبانان رفتارهای تهاجمی‌تری از خود نشان دادند، مثلاً: تخت خواب‌های زندانیان را بر داشتند (تا آنها مجبور شوند روی زمین بخوابند)، آنها را مجبور کردند تا از یک سطل به عنوان دستشویی در سلول‌هایشان استفاده کنند و سپس درخواست زندانیان برای تخلیه سطل‌ها، هم از طرف نگهبانان و هم از طرف زیمباردو، رد می‌شد. نگهبانان که می‌دانستند رفتارشان مشاهده می‌شود، و به خاطر آن، نه تنها مورد توبیخ قرار نمی‌گیرند، بلکه گمان می‌کردند که تلویحاً به آنان اجازه چنین رفتارهایی داده شده است. در مصاحبه‌های بعدی، تعدادی از نگهبانان به مصاحبه‌کننده گفتند که آنها می‌دانستند زیمباردو علاقه دارد چه اتفاقی بیفتد، بنابراین آنها تمام سعی خود را کردند تا خواسته زیمباردو را تحقق بخشند. کمتر از دو روز کامل از آزمایش نگذشته بود که یکی از زندانیان شروع به بروز علائمی چون؛ افسردگی، نداشتن کنترل بر خشم، گریه و دیگر حالت‌های غیرعادی روانی از خود شد و سرانجام این زندانی به خاطر داد و فریاد کردن و بی‌ثباتی در رفتار، در پیش چشمان دیگر زندانیان، آزاد شد و جای خود را به یکی دیگر از داوطلبان داد.



نتایج

در پایان آزمایش، زندانبانان موفق شدند با استفاده از بیشترین مقدار قدرت و اختیار خود، تسلط کامل بر همه زندانیان پیدا کنند، به حدی که یکی از زندانیان تا اعتصاب غذا هم پیش رفت. هنگامی که او تصمیم به نخوردن غذایش گرفت، نگهبانان او را به مدت سه ساعت در زندان انفرادی انداختند (علیرغم اینکه بر اساس دستورالعمل، آنان اجازه داشتند تنها یک ساعت زندانیان را به سلول انفرادی ببندازند). زندانیان دیگر به جای آنکه این زندانی را مثل یک قهرمان بدانند و همانند او اعتصاب کنند، یک صدا شعار می‌دادند که "او یک زندانی بد و مشکل‌ساز است".

هر دو گروه زندانیان و زندانبانان با فراتر رفتن از آنچه پیش‌بینی شده بود، بوسیله آسیب‌های روانی و خطرناکی که به وجود می‌آوردند، به سرعت در نقش‌هایشان فرو رفته بودند. خودِ زیمباردو هم شروع به فرو رفتن در نقشش کرد. او می‌خواست واقعیت این آزمایش را به "کریستینا ماسلاش" (همسر آینده خود)، که تازه مدرک دکتری روان‌شناسی خود را دریافت کرده بود، نشان دهد. زیمباردو اعتقاد دارد که پیام این آزمایش این است که "موقعیت‌ها نسبت به آنچه که بیشتر مردم فکر می‌کنند، می‌توانند تأثیرات بسیار قدرتمندتری بر رفتار ما داشته باشند، و فقط عده کمی متوجه این موضوع هستند." در پایان آزمایش، بعد از اینکه همه زندانی‌ها و زندانبانان از زندان آزمایشی بیرون آمدند، دوباره در همان مکان دور یکدیگر جمع شدند تا هم عملکردشان ارزیابی شود و هم بتوانند احساساتشان را نسبت به یکدیگر بیان کنند. وابستگی‌های نژادی که این آزمایش معروف را در برگرفته بود، اغلب با آزمایش میلگرام مقایسه می‌شود، آزمایشی که در سال



۱۹۶۱ در دانشگاه ییل توسط "استنلی میلگرام"، دوست قدیمی دوران دبیرستان زیمباردو، انجام شده بود.

سوءاستفاده از زندانیان در زندان ابوغریب

زیمباردو شباهت‌های بسیاری بین رفتارهای شرکت‌کنندگان در آزمایش زندان استنفورد و سوءاستفاده از زندانیان ابوقریب را منعکس کرد. زیمباردو ادعای رئیس ستاد مشترک ارتش، ژنرال "میرز" را مبنی بر اینکه وقوع این اتفاقات، تنها شیطنت چند سرباز رند بوده و ربطی به ارتش ندارد نپذیرفت. در عوض، او به موقعیتی که سربازان در آن قرار داشتند توجه کرد و فکر کرد که شاید این "موقعیت" بوده است که امکان بروز این رفتارها را ایجاد کرده است و برای شروع، او ابتدا به شرکت‌کنندگانی که ظاهراً سالم بودند توجه کرد. محیط زندان جایی بود که می‌توانست آنان را از انسان‌های کاملاً عادی، چه از لحاظ فیزیکی و چه از لحاظ روانی، به انسان‌های وحشی و سادیسم (کسی که از زجر دیگران لذت می‌برد)، تبدیل کند. زیمباردو مشتاق شد تا با پرسیدن سوالاتی، متوجه شود آنان قبلاً چه کسانی بودند، مثلاً: آیا آنان انسان‌هایی عجیب و غریب هستند؟ آیا امکان درک و شناخت آنان وجود ندارد؟ تمام اینها، او را به نوشتن کتاب "اثر شیطان" سوق داد.





اثر شیطان

زیمباردو، کتاب اثر شیطان را در جواب تمام یافته‌هایش از آزمایش زندان استنفورد نوشت. او معتقد است که خصوصیات شخصیتی می‌تواند در چگونگی بروز رفتارهای خشن و تند و یا آرام و مطیع، نقش داشته باشد. در این کتاب، زیمباردو اظهار می‌کند که نمی‌توان انسان‌ها را با کلمات خوب یا بد تعریف کرد، چرا که ما انسان‌ها این قابلیت و توانایی را داریم تا هر دو وجه را از خود بروز دهیم، مخصوصاً در مواقعی که در موقعیتی خاص هستیم. به طور مثال؛ اتفاقاتی که در مرکز بخش بازداشتگاه زندان ابوقریب افتاد، که در مورد این اتفاق، گروه محافظت زندان (از جمله "گری میرز") می‌گوید: "سوءاستفاده فیزیکی و روانی از زندانیان سیاسی، تقصیر زندانبانان و بازپرسان نبوده است بلکه مقصر، سیاست‌های مدیریتی آقای بوش بوده است. طبق گفته زیمباردو، اگر انسان‌های خوب گمراه شوند، می‌توانند کارهای وحشتناکی انجام دهند. زیمباردو در صفحه ۲۱۱ کتاب اثر شیطان نوشته است: همچنین، انسان‌ها زمانی که در یک "موقعیت خاص" غرق شده باشند، به طوریکه بر طبیعت آنها تأثیر گذاشته باشد و ثبات و شخصیت و اخلاقیات آنان را به چالش کشیده باشد، ممکن است آنها را به انجام اعمال بی‌منطق، احمقانه، خود ویرانگر، ضداجتماعی و بدون فکر، سوق دهد. در مجله انجمن پزشکان آمریکا، هفت فرایند اجتماعی ذکر شده است که حرکت در جاده شیب‌دار گمراهی را سرعت می‌بخشد:

- برداشتن اولین قدم کوچک با بی‌فکری
- انسانیت‌زدایی از دیگران
- شخیصت‌زدایی از خویش (گمنامی)
- لوث مسئولیت شخصی
- اطاعت کورکورانه از مراجع قدرت
- همنوایی بی‌قید و شرط از هنجارهای گروهی
- تحمل منفعلانه فساد از طریق بی‌حرکی و بی‌تفاوتی



زمان

در سال ۲۰۰۸ زیمباردو یکی دیگر از آثار خود را با همکاری "جان بوید" درباره "نظریه چشم‌انداز زمان" و همچنین "سیاهه چشم‌انداز زمان زیمباردو" را در "پارادوکس زمان" منتشر کرد: "روانشناسی جدید زمان، که زندگی شما را تغییر خواهد داد." در سال ۲۰۰۹ زیمباردو بعد از ملاقاتی که با "ریچارد سورد" داشت، همکاری خود را جهت تبدیل "نظریه چشم‌انداز زمان" به یک روش درمان بالینی شروع کرد و در نهایت بعد از ۴ سال مطالعات آزمایشی، سرانجام "درمان چشم‌انداز زمان" به وجود آمد. در سال ۲۰۰۹ زیمباردو در طی یک سخنرانی در برنامه تد تاک (Ted Talk) تحت عنوان "روانشناسی زمان" درباره این نظریه صحبت کرد و ۶ نوع مختلف از بُعد زمان را معرفی نمود، شامل؛ گذشته مثبت، گذشته منفی، داشتن لذت در زمان حال، اعتقاد به جبرگرایی در زمان حال، داشتن اهداف جهت‌دار در آینده و آینده متعالی. در سال ۲۰۱۲ کتاب "زمان درمانی" بوسیله زیمباردو، "ریچارد سورد" و همسرش "رز مری" نوشته شد. درمان چشم‌انداز زمان، وجه اشتراکات زیادی با "درمان دکمه توقف" که بوسیله روانشناسی به نام "مارتین شیران" ابداع شده، دارد، کسی که زیمباردو او را اولین بار در کنفرانس بین‌المللی چشم‌انداز زمان در دانشگاه "کمبرا" در پرتغال ملاقات کرده بود. زیمباردو پیش‌گفتار ویرایش دوم کتاب "مارتین شیران" را درباره این موضوع نوشت.

پروژه تصور قهرمان بودن

از سال ۲۰۱۴ زیمباردو به عنوان بنیان‌گذار و مدیر، به هدایت نهضت قهرمانی روزمره با نام پروژه "تصور قهرمانی" مشغول است و این سازمان بدون هیچ چشم‌داشتی، سعی در ارتقای قهرمان‌پروری در زندگی روزمره دارد. در حال حاضر این پروژه برای درک بهتر اینکه چگونه رفتار خشونت‌آمیز هر فردی تغییر می‌کند، در حال جمع‌آوری اطلاعات از اعضای قبلی گروه خرابکاران آمریکایی و اعضای قبلی باندهای تروریستی برای مقایسه است. "رونی برگر"، "یوتام هاینبرگ" و "لئونارد بکوم"، نقش به سزایی در بخش پژوهش این پروژه دارند. او در سال ۲۰۱۱



همراه با "زنو فرانکو" و "کیتی بلو"، مقاله‌ای در نشریه "General Psychology" منتشر کرد که در آن به مقایسه "قهرمانی" و "نوع‌دوستی" پرداخته است.



سندرم قوت اجتماعی

در سال ۲۰۰۸ زیمباردو بر روی نظریه جدیدی به نام "سندرم قوت اجتماعی" با همکاری "سارا برونسکیل" و "آنتونی فرراس" مشغول به کار شد. این روش جدید برای توصیف تأثیراتی که فرهنگ ارتش بر اجتماعی شدن دو گروه سربازان فعال و سربازان بازنشسته (قدیمی) دارد، ابداع گردید. زیمباردو و برونسکیل، این نظریه جدید و تحلیل عاملی مقدماتی آن را در انجمن روان‌شناسی غرب، در سال ۲۰۱۳ ارائه دادند. برونسکیل جمع‌آوری داده‌ها را در دسامبر ۲۰۱۳ به پایان رساند. بوسیله تحلیل عاملی اکتشافی، تحلیل عاملی تأییدی، استحکام درونی و اعتبار آزمون‌ها، صحت و درستی سنجش "سندرم قوت اجتماعی" بر اجتماعی شدن ارتش اثبات شد.



سایر تلاش‌ها

زیمباردو در آلمان، شهر برلین، سال ۲۰۰۸

بعد از آزمایش زندان استنفورد، زیمباردو تصمیم گرفت تا راه‌های دیگری جهت کمک به مردم از طریق روان‌شناسی پیدا کند. همین امر باعث تأسیس کلینیک کمرویی و خجالتی "The Shyness Clinic" در منلو پارک کالیفرنیا شد تا کمرویی را در بزرگسالان و کودکان درمان کند. تحقیقات زیمباردو درباره کمرویی باعث شد تا کتاب‌های زیادی درباره این موضوع به فروش عالی برسند. از دیگر موضوعاتی که او به تحقیق درباره آنها پرداخته است می‌توان به "کنترل ذهن" و "رفتارهای سُنّتی" اشاره کرد. زیمباردو نویسنده مشترک یک کتاب درسی روان‌شناسی مقدماتی با عنوان "روان‌شناسی و زندگی" است که در بسیاری از دوره‌های لیسانس روان‌شناسی در آمریکا تدریس می‌شود. او همچنین میزبانی مجموعه برنامه "PBS TV"، با عنوان "کشف روان‌شناسی" را بر عهده داشت که در بسیاری از دوره‌های آموزشی آنلاین، استفاده می‌شود.

در سال ۲۰۰۴، زیمباردو برای دفاع از یکی از نگهبانان زندان ابوقریب به نام "فردریک"، در دادگاه نظامی حاضر شد و شهادت داد. او در این باره گفته است که: باید در حکم "فردریک" تخفیف داده می‌شد، چراکه تنها تعداد کمی می‌توانند فشارهای زیادی را که از طرف زندان به آنان تحمیل می‌شود تحمل کنند، مخصوصاً که نظارت و آموزش مناسبی نداشته‌اند. ولی ظاهراً قاضی به اظهارات زیمباردو اعتنایی نکرد و فردریک را به ۸ سال زندان محکوم نمود. زیمباردو براساس اطلاعاتی که از مشارکت در پرونده فردریک به دست آورد، کتاب جدیدی را با عنوان "اثر شیطان" نوشت: با ایجاد ارتباط بین آزمایش زندان ابوقریب و آزمایش زندان استنفورد می‌توان متوجه شد که چگونه انسان‌های خوب گمراه می‌شوند. نوشته زیمباردو در مجله "Greater Good Magazine" در برکلی، دانشگاه کالیفرنیا، در بخش "Greater Good Science Center" به چاپ رسید. سهم زیمباردو شامل تفسیر تحقیقات علمی درباره منشأ مسائلی چون دلسوزی، نوع‌دوستی و روابط انسانی صلح‌آمیز بود. مقاله‌ای که اخیراً از او در مجله "Greater Good"



Magazine" چاپ شده است با عنوان "عمومیت قهرمانی" بوده است، با این مضمون که چگونه مردمان عادی می‌توانند قهرمان روزمره و عادی زندگی خود باشند. در فوریه ۲۰۱۰ زیمباردو به عنوان میزبان مهمانان در سمینار علمی "زندگی معنادار" (Meaningful Life)، حضور داشت و همراه با "داچر کلنر" مدیر اجرایی این مجله، به موضوعاتی چون؛ نیکی، شرارت و قهرمانان روزمره پرداخته شد. زیمباردو که در سال ۲۰۰۳ رسماً بازنشسته شده بود، آخرین سخنرانی خودش را با موضوع "بررسی ماهیت انسان" در ۷ مارچ ۲۰۰۷، در ساختمان دانشگاه استنفورد، ارائه داد و بعد از ۵۰ سال سابقه تدریس، کار خود را به پایان رساند. "دیوید اسپیگل"، استاد روانپزشکی دانشکده پزشکی دانشگاه استنفورد، زیمباردو را "معلم افسانه‌ای" خطاب کرد و گفت: "او کسی است که روش تفکر درباره تأثیرات اجتماعی را تغییر داده است."

زیمباردو چندین بار به برنامه‌های تلویزیونی آمریکا دعوت شده است، به طور مثال: ۲۹ مارچ ۲۰۰۷، در برنامه "The Daily Show" به میزبانی "جان استوارت"، ۱۱ فوریه ۲۰۰۸ در برنامه "The Colbert Report" و در ۲۵ اکتبر ۲۰۱۰ در برنامه "Dr. Phil" حضور داشته است. زیمباردو به عنوان مشاور برای کمک به افراد زورگو در سازمانی به نام "تحول بوسیله تماشاچیان"، خدمت می‌کند و در مقابل دوربین این سازمان ظاهر می‌شود و درباره تأثیر گروه تماشاچیان و غول تنبلی توضیح می‌دهد.

سخنرانی زیمباردو در لهستان، سال ۲۰۰۹

از سال ۲۰۰۳ زیمباردو در فعالیت‌های اقتصادی و خیرخواهانه، در مناطق روستایی شهر "سیسیل" با عنوان "The Zimbardo-Luczo Fund"، همراه با "استیو لوچو" و یک مدیر محلی به نام "پاسکوال مارینو" شرکت کرده است که این برنامه‌ها شامل فراهم کردن بورسیه تحصیلی برای دانشجویان با استعداد، در شهرهای "کورلئونه" و "کاماراتا" بوده است. در سال ۲۰۱۵ زیمباردو نویسنده مشترک کتاب "انفصال انسان" بود، با این موضوع که: چگونه فن‌آوری به زندگی مردان آسیب زده است؟ در این کتاب نتایج تحقیقات، از این قضیه حمایت می‌کند که؛ جمعیت مردانی که از اجتماع فاصله می‌گیرند، رو به افزایش است. او می‌گوید: نبودن والدین در



خانه و نیز مدرسه‌های دخترانه، بیشتر باعث تمایل افراد به زندگی در فضای مجازی می‌شود و خطر اعتیاد به بازی‌های کامپیوتری و دیدن فیلم‌های مستهجن را افزایش می‌دهد.

شناخت بیشتر

در سال ۲۰۱۲ به زیمباردو به دلیل موفقیت‌های پی‌درپی در تمام طول زندگی خود در علم روان‌شناسی، مدال طلای مؤسس روان‌شناسی آمریکا، اعطا شد. او در سال ۲۰۱۱ مدرک دکتری افتخاری از دانشگاه "SWPS" ورشو (پایتخت لهستان) را دریافت کرد. در سال ۲۰۰۳ زیمباردو و اساتید دانشگاه‌های "لاساپنزا جیان ویتوریو کپارارا" در روم و "کلادیو باربارانلی"، برای طعنه (به سیاستمداران)، جایزه نوبل روان‌شناسی برای گزارش "شخصیت ساده منحصر به فرد سیاستمداران" را دریافت کردند. زیمباردو توسط سازمان رتبه‌بندی مشاوران، به عنوان یکی از تأثیرگذارترین مشاوران روان‌شناسی، نام گرفت.

زیمباردو در ایران

زیمباردو در سال ۲۰۱۶ (۱۳۹۵) به دعوت و میزبانی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران به تهران سفر کرد. او سخنران کلیدی سومین کنگره روان‌شناسی اجتماعی ایران بود. زیمباردو ضمن سفر خود به ایران از شهر اصفهان دیدن کرد و با اساتید روان‌شناسی این شهر ملاقات نمود. وی همچنین در همایش کاربردهای روان‌شناسی اجتماعی در شیراز حضور پیدا کرد و به ایراد سخنرانی پرداخت.



سومین کنگره روان‌شناسی اجتماعی



دیدار و ضیافت شام اساتید و دانشجویان روان‌شناسی اصفهان



دیدار و ضیافت شام هیات مدیره انجمن روان‌شناسی اجتماعی



همایش کاربردهای روان‌شناسی اجتماعی شیراز

حیوان‌آزاری ریشه در کودکی افراد دارد به بهانه دستگیری متهمی که گوش‌های الاغی را بریده بود



دکتر مجید صفاری‌نیا

استاد روان‌شناسی اجتماعی

گروه حوادث- انتشار فیلم حیوان‌آزاری در فضای مجازی که نشان می‌داد فردی در حال بریدن گوش‌های یک الاغ با داس است با واکنش‌های مختلف کاربران روبه‌رو شد و در نهایت مسلم‌آهنگری فرمانده یگان حفاظت محیط زیست مازندران عنوان کرد که با خاطیان برخورد خواهد شد.

به دنبال این ماجرا سرانجام خبر دستگیری مرد حیوان‌آزار و همدست تصویربردارش منتشر شد. علی صداقت دادستان عمومی و انقلاب بهشهر در خصوص جزئیات این ماجرا عنوان کرد: در پی انتشار فیلمی منجرکننده از حیوان‌آزاری در بهشهر دستور قضایی برای شناسایی و دستگیری عوامل بریدن گوش الاغ صادر شد که هر دو متهم دستگیر شدند و برایشان پرونده قضایی تشکیل شد و مراحل پرونده در حال پیگیری است. وی ضمن اشاره به سوابق متهم ۲۸ ساله پرونده نیز گفت: متهم اصلی دارای سوابق کیفری در پرونده‌های سرقت مسلحانه در شهرستان‌های همجوار



بوده است. حیوان‌آزاری به عنوان یک عمل غیراخلاقی و خلاف انسانیت و شرع اسلام بوده و موجب جریحه دار شدن افکار عمومی شده است که در این راستا دستگاه قضایی استان به طور قاطع با متخلفان برخورد قانونی خواهد کرد.

آموزش‌های نادرست در کودکی زمینه‌ساز فجایع در بزرگسالی

در همین رابطه دکتر مجید صفاری‌نیا رئیس انجمن روان‌شناسی اجتماعی کشور به «ایران» می‌گوید: انسانها ذاتاً به گونه‌ای متولد می‌شوند که در دوران کودکی ارتباط و علاقه خاصی به حیوانات دارند از این روست که بسیاری از انیمیشن‌ها و عروسک‌ها با کاراکترهای حیوانات عرضه می‌شود. ما در بحث روان‌شناسی مفهومی به نام همدلی داریم که باید از آن بدرستی استفاده کنیم و به کودکان مان آموزش دهیم. در این مفهوم ما باید با آموزش نگهداری و ارتباط برقرار کردن کودکان با حیوانات صفت همدلی را در آنها نهادینه کنیم تا آنها در بزرگسالی رفتار بهتری نسبت به حیوانات و حتی افراد جامعه داشته باشد. اما متأسفانه دغدغه امروز والدین آموزش زبان خارجه و موسیقی به کودکان است و مسأله مهمی مثل همدلی نادیده گرفته می‌شود. البته این به آن معنا نیست که کودکان نباید آموزشی مثل زبان را در برنامه یادگیری‌شان داشته باشند اما باید والدین بدانند که دغدغه اصلی برجسته کردن صفاتی مثل همدلی است که در نهایت می‌تواند به رفتار مسالمت‌آمیز او در بزرگسالی ختم شود.

وی در ادامه می‌افزاید: مسأله بعدی جامعه‌پسندی است که این بحث هم باید از سوی والدین به کودکان‌شان آموزش داده شود. بچه‌ها باید تا قبل از ورود به مدرسه این مفاهیم را بیاموزند. هرچقدر این مفهوم بهتر آموزش داده شود تعامل و ارتباط بیشتری بین فرد با جامعه صورت می‌گیرد. نکته حائز اهمیت دیگر که سبب حیوان‌آزاری می‌شود، بازهم به همان دوران کودکی افراد برمی‌گردد و بسیاری از کودکانی که در کودکی محبت را از هردو والدین‌شان دریافت نمی‌کنند دچار این مشکلات در بزرگسالی می‌شوند. این حالات در بزرگسالی به نوعی بیماری شبیه به مازوخیسم و سادیسم که افراد مبتلا به آن در قبال کار وحشتناکی که انجام می‌دهند یا آنقدر بی تفاوت‌اند که زجر حیوان یا انسانی که آزارش می‌دهند برایشان اهمیتی ندارد یا از آزار و



شکنجه موجودات - حال انسان یا حیوان - لذت می‌برند. به اعتقاد من مجازات قضایی در برابر این افراد کارساز نیست و آنها باید مداوا شوند و تا زمانی که آنها درمان نشوند بازهم مرتکب چنین آزارهایی خواهند شد. تحقق این امر هم گسترش و ارزان شدن امور مشاوره‌ای و غربالگری افراد است. اگر این مسأله با جدیت دنبال شود به‌طور قطع در آینده کم‌تر شاهد چنین فجایعی خواهیم بود.





علوم اعصاب اجتماعی



یکی از شاخص‌ترین ویژگی‌های انسان رفتار اجتماعی او است. شامپانزه‌ها در بسیاری از تکالیف شناختی تقریباً همانند انسان‌ها عمل می‌کنند، اما در شناخت‌های اجتماعی، مثل حدس‌زدن چیزی که فرد دیگری می‌داند یا قصد دارد انجام دهد، این طور نیستند. انسان‌ها برای آموزش به یکدیگر (و حتی آموزش به شامپانزه‌ها!) تلاش‌های زیادی می‌کنند، اما شامپانزه‌ها برای آموزش به یکدیگر به ندرت کوششی عمدی انجام می‌دهند (توماسلو و هرمان، ۲۰۱۰). علوم اعصاب اجتماعی که چگونگی مشارکت زن‌ها، مواد شیمیایی، و نواحی مغزی در رفتار اجتماعی را مطالعه می‌کند، یک حوزه نسبتاً جدید مطالعاتی است، اما حوزه‌ای است که اشتیاق فزاینده‌ای را بوجود آورده است.

زیست‌شناسی عشق

فرض کنید عمیقاً و به شدت عاشق کسی هستید. پژوهشگران فعالیت مغز شما را (که با fMRI اندازه‌گیری شده است) در حالی که به تصاویر معشوقه‌تان و تصاویری از افراد جذاب دیگری نگاه می‌کنید مقایسه می‌کنند. تصاویر شخصی که عاشقتان هستید باعث افزایش فعالیت در نواحی مغزی خاص مرتبط با پاداش می‌شود، به روشی مشابه با حس خوشی که افراد از مصرف



داروهای اعتیادآور گزارش می‌دهند (بروکت و یونگ، ۲۰۱۲). مشاهده عکسی از معشوق‌تان هیپوکامپ و سایر نواحی مهم برای شناخت و حافظه را نیز فعال می‌کند (اورتیگیو، بیانچی - دمیچلی، پاتل، فرام، و لوئیس، ۲۰۱۰).

نقش اکسی‌توسین در عشق توجه زیادی را به خود جلب کرده است. زنان در طول و پس از زایمان، و مردان و زنان آن را در طی فعالیت جنسی ترشح می‌کنند. آن را هورمون عشق نامیده‌اند، هرچند اصطلاح عشق‌افزا یا عشق‌گستر می‌تواند تعبیر بهتری باشد. یک راه راحت برای مطالعه اثرات اکسی‌توسین این است که آن را به صورت یک افشانه استنشاقی در اختیار افراد قرار داده و اثرات آن را با یک دارونما مقایسه کنیم. اکسی‌توسین از راه حفره بینی به طور مستقیم به مغز رسیده و تقریباً نیم ساعت بعد اثراتش نمایان می‌گردد. در یک مطالعه، مردانی که گزارش کرده بودند به شدت عاشق هستند عکس‌هایی از زن شریک زندگی‌شان و زنان دیگر را مشاهده کرده و جذابیت هر یک را رتبه‌بندی نمودند. آنها در مقایسه با دارونما، وقتی تحت تأثیر اکسی‌توسین بودند شریک خود را جذابتر رتبه‌بندی کردند. اکسی‌توسین رتبه‌بندی آنها از زنان دیگر را تغییر نداد (شیل و همکاران، ۲۰۱۳). بنابراین، اکسی‌توسین جذابیت همگان را افزایش نمی‌دهد، بلکه فقط جاذبه کسی را که از قبل محبوب فرد بوده افزایش می‌دهد.

نوعی دوستی و همدلی

زندگی متمدن به کمک افراد به یکدیگر بستگی دارد. شما ممکن است برای توضیح مطلبی به یک دوست دانشجو که برای گرفتن نمره خوب در یک درس رقیب شما محسوب می‌شود کمک کنید. ممکن است برای کمک به قربانیان یک فاجعه طبیعی در آنطرف دنیا کمک مالی کنید. یاریگر بودن بستگی دارد به همدلی، یعنی توانایی تشخیص‌دادن و احساس کردن رنج افراد دیگر تقریباً به طوری که گویی آن رنج متعلق به خود شما بوده است. اگرچه همدلی منحصر به انسان‌ها نیست، در گونه ما قوی‌تر از سایرین است. یک میمون یا شامپانزه با حق انتخاب بین پاداش‌دادن صرف به خود، یا به خود و یک میمون یا شامپانزه دیگر، به نظر می‌رسد تقریباً نسبت به دیگران بی‌تفاوت است، مگر آنها خویشاوند یا دوستی قدیمی باشند (چانگ، گاریپی، و پلات، ۲۰۱۳؛



سیلک و همکاران، ۲۰۰۵). توانایی در نظر گرفتن دیدگاه فرد دیگر به ناحیه‌ای از مغز مربوط است که قشر گیجگاهی با قشر آهیانه تلاقی می‌کند (بوکهلنز و ماروئیس، ۲۰۱۲؛ موریشیما، شانک، بروهین، راف، و فهر، ۲۰۱۲). با این وجود، هیچ ناحیه‌ای از مغز به تنهایی با همدلی و رفتار اخلاقی مربوط نیست، و نواحی متعددی در سرتاسر مغز در آن مشارکت دارند (یونگ و دانگان، ۲۰۱۲). رهبران اخلاقی و مذهبی به ما می‌آموزند که با همه افراد مهربان باشیم، اما در واقع اکثر افراد تمایل دارند تا با آنهایی که شبیه خودشان هستند بخشنده‌تر باشند. برای مثال، اگر کسی را ببینید که احساس طرد اجتماعی می‌کند، شما هم "احساس ناراحتی" خواهید کرد و مغز شما بر اساس آن واکنش نشان خواهد داد، اما اگر فردی که احساس طرد شدن کرده است یکی از خویشاوندان یا دوستان نزدیک شما باشد با شدت بیشتری واکنش نشان خواهید داد (بینی، فرانکلین، لوی، و آدامز، ۲۰۱۱). افراد در میزان همدلی و نوع دوستی از سخاوتمند تا خودخواه متفاوت هستند. این تغییرات با فعالیت مغز همبستگی دارد. وقتی افراد شرح پریشانی دیگران را می‌شنوند، در برانگیختگی قشر پیش‌پیشانی پستی - میانی متفاوت هستند. افراد با برانگیختگی بیشتر درک بیشتری از پریشانی دارند، و با احتمال بیشتری از میزان متوسط برای کمک به دیگران پول و زمان اختصاص می‌دهند (ویتز، زاکی، و میشل، ۲۰۱۲).

افراد دارای ویژگی‌های ضداجتماعی آزادانه اقداماتی انجام می‌دهند که به دیگران آسیب می‌رساند. آیا آنها نمی‌فهمند که دیگران از رفتارهای ایشان رنج خواهند کشید؟ پژوهش‌ها نشان داده است که آنها به لحاظ شناختی درک می‌کنند. اما، وقتی برای تصور تجربه دیگران تلاش می‌کنند، نواحی هیجانی مغز فقط فعالیت ضعیفی نشان می‌دهد (بلایر، ۲۰۱۳؛ زاکی و اوشسرنر، ۲۰۱۲). یعنی، آنها فاقد تشخیص همدلانه‌ای هستند که اجازه دهد درک کنند فرد دیگر چه احساسی خواهد داشت.

منبع:

کالات جی (۲۰۱۵). روان‌شناسی زیستی. جلد دوم: ویراست دوازدهم. ترجمه احمد علی‌پور، مجتبی دلیر، امیرعلی مازندرانی (۱۳۹۷). تهران: ارجمند.



خبرنامه پاییز ۱۳۹۸ انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

Iranian Association of Social Psychology



انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران



ناهمخوانی خودِ کودکان و بالغانه در کودکان



شهلا زورمند بناب

عضو انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

یکی از اصلی‌ترین مباحث در روان‌شناسی اجتماعی، مبحث مربوط به «خود» است. وقتی می‌گوییم «خود» چه چیزهایی به فرمان متبادر می‌شود؟ احتمالاً چگونگی شکل‌گیری خود در کودکی، خودپنداره، خودشناسی، ابعاد خود، طرحواره‌ها، رابطه بین خود و فرهنگ، و هویت اجتماعی از جمله مواردی هستند که مورد توجه قرار می‌گیرند.

در این مقاله، سعی شده ناهمخوانی بین «خود»های مختلف در کودکان مورد بررسی قرار گیرد. نوباوگان بعد از تولد احساس می‌کنند که از لحاظ جسمانی از پیرامون خود مجزا هستند. توانایی قابل‌ملاحظه نوزادان در ادراک چند وجهی به پدیدار شدن خودآگاهی می‌انجامد. هنگامی که کودکان تماس خودشان را احساس می‌کنند و گریه خودشان را حس می‌کنند و می‌شنوند، ادراک چند وجهی را تجربه می‌کنند که بدن آنها را از بدن‌ها و اشیای دیگر متمایز می‌کند.

خودآگاهی به سرعت بخش اصلی زندگی هیجانی و اجتماعی کودک شده و در پایان سال دوم زبان وسیله قدرتمندی در رشد خود می‌شود. کودکان بین ۱۸ تا ۳۰ ماهگی، هنگامی که خود و دیگران را براساس سن (بچه، پسر، یا مرد)، جنسیت (پسر یا دختر)، خصوصیات مادی (بزرگ و قوی) و حتی خوبی در برابر بدی طبقه‌بندی می‌کنند، خود قطعی را پرورش می‌دهند.



در روان‌شناسی کلاسیک و فرویدی، ذهن، گرفتار تعارض پیوسته بین نیروهای هشیار و ناهشیار است. فروید بر این باور بود که اساس شخصیت، نیروهای پویشی بنیادی برانگیزاننده شخصیت یعنی تکانه‌های جنسی و پرخاشگرانه هستند که قواعد اجتماعی و سازکارهای دفاعی با هدف کنترل این تکانه‌ها، به شیوه‌ای که در عین اینکه تاحدی اجازه ارضای غیرمستقیم و بی‌خطر تکانه‌ها را می‌دهد، احساس گناه و اضطراب را در کمترین حد نگه می‌دارد.

تاکید روان‌کاوی کلاسیک بر نهاد در دیدگاه روان‌پویشی به تاکید بر «خود» و کارکرد آن در مکتب آدلری تغییر شکل داد. جنبش آدلری از نخستین و بانفوذترین درمان‌های روان‌پویشی است که برخلاف روان‌شناسی کلاسیک که در آن غرایز و تعارض‌های بین آنها محرک‌های اصلی شخصیت و آسیب روانی در نظر گرفته می‌شد، این جنبش «خود» را که دارای فرایندهایی مثل حافظه، ادراک، قضاوت و استدلال اخلاقی است مبنای مفروضه‌های روان‌شناسی خود و درمان قرار داده است و حرکت در فراسوی نهاد را آغاز کرده است.

روان‌شناسی خود که دستاوردی از روان‌شناسی آدلری است، تلاش «خود» برای انطباق با واقعیت عینی و مسلط شدن بر آن را مهم‌ترین انگیزه در رشد شخصیت می‌داند. روان‌کاوان خود البته انکار نمی‌کنند که تعارض‌های تکانه‌ها برای ارضای فوری تاثیرات مهمی بر رشد دارد، اما فرض می‌کنند که تلاش جداگانه خود برای انطباق با محیط و تسلط بر آن نیز به همان اندازه مهم است. به عبارت دیگر به نظر هاینز هارتمن و سایر طرفداران روان‌شناسی خود، نوعی «خود مستقل» وجود دارد که مستقل از سائق‌های نهاد عمل می‌کند.

به دنبال توضیحات گفته شده در مورد اینکه کدام بخش شخصیت (نهاد یا خود) بر رفتار ما تسلط دارد، بهتر است به توضیح دو بعد متضاد «خود کودکانه» و «خود بالغانه» در کودکان و بزرگسالان بپردازیم.

خود کودکانه، خودی است که در خانه و بطوری کلی در رابطه با کسانی که با آنها پیوند عاطفی محکم دارد، روزانه با او در تماس است و در مجموع با او احساس راحتی و امنیت می‌کند، نشان داده می‌شود و چگونگی عملکرد آن با چند ویژگی مشخص می‌شود:



خود کودکانه باید تغذیه شود، «در همین لحظه» باید تغذیه شود و تحمل او برای هرگونه فشار، صفر است. خود کودکانه با لوس شدن، در هم پاشیدن، استراحت کردن، تمدد اعصاب، بی‌مسئولیتی، و بطور کلی جذب همه چیزهای خوب بدون توجه به موقعیت و زمان مناسب تغذیه می‌شود. این بی‌تحملی، بیشتر وقت‌ها بخشی از خود کودکانه است که پدر و مادرها کمتر از هرچیزی درک می‌کنند و همچنین، بخشی است که بیشترین مشکل را به وجود می‌آورد.

اما شیوه رفتاری دیگر که آن را خود بالغانه می‌نامیم، بیشتر در دنیای بیرون از خانه، خود را نشان می‌دهد. خود بالغانه برخلاف همتای کودکش، مایل است کار کند، ناراحتی و فشار را تاب می‌آورد، بردبار و خوددار است، می‌تواند و مایل است خوش‌گذارانی و برآورده شدن خواسته‌هایش را به تاخیر بیندازد و هدفمند عمل می‌کند.

خود کودکانه که ویژگی‌هایی مشابه با مفهوم نهاد در نظریه فروید دارد بدون هیچ‌گونه تنوعی در افراد در طول عمرشان، شبیه یکدیگرند. اما خود بالغانه که می‌توان گفت همان مفهومی است که در جنبش آدلری و روان‌شناسی خود وجود دارد، با گذشت زمان و بالارفتن سن کودک، رشد می‌کند و به تدریج، اختیار عملکرد روزانه و این که کجا و چه وقت کودک باشد را بیشتر و بهتر در دست می‌گیرد، اما خود کودکانه هرگز تغییر نمی‌کند.

نمونه بارز از نیاز کودکان به زمان کافی برای داشتن خود کودکانه را می‌توان در پدیده شناخته شده فرزند خواندگی مشاهده کرد. بسیاری از این کودکان به خانواده جدیدی می‌پیوندند و برای یکی دو ماه نخست رفتاری پسندیده دارند. ولی سپس بدون هیچ دلیل ظاهری، بد رفتاری را آغاز می‌کنند. به عبارتی دوران ماه غسل به پایان رسیده و آزمایش حقیقی محیط فرزند خواندگی فرارسیده است.

با اینکه خود بالغانه این کودکان برای خوب بودن بازخوردهای مثبت زیادی دریافت کرده است ولی در هر حال خودکودکانه همواره اشتیاق زیادی برای بروز و تغذیه شدن دارد.

در مورد کودکان این خوراک‌رسانی هسته اصلی شخصیت را تغذیه می‌کند، و براساس همین تربیت و تغذیه است که همه چیزهای دیگر ساخته می‌شوند. همین پایه و اساس است که اجازه



می‌دهد شخصیت کودک رشد کند، بالغ شود، و سرانجام به دنیای بیرون از خانه وارد شده و گلیم خود را از آب بیرون بکشد. بطور کلی همه ما به مکانی برای کودک‌های درونمان نیاز داریم تا از تنش‌های هرروزه رهایی یابیم. ولی کودکانمان به دلیل اینکه هنوز بسیار خردسال هستند، بیش از ما به آن نیاز دارند.

اما یک خبر خوب برای والدین این است که در نهایت و در پایان دوره نوجوانی پدرها و مادرها به تدریج بیشتر و بیشتر شخصیت بالغ کودک را مشاهده می‌کنند (اگرچه ممکن است هرگز کامل نشود). این شخصیت بالغانه کودک است که رشد می‌کند و بر شخصیت کودک سلطه پیدا می‌کند و مشخص می‌کند در بزرگسالی چگونه خواهند شد، در نتیجه خود بالغانه، خود حقیقی کودکان ما را شکل خواهد داد.

منابع:

- شولتز (۲۰۱۳)، نظریه‌های شخصیت، مترجم: یحیی سید محمدی، انتشارات ویرایش.
- برک، ل. (۲۰۰۷)، روان‌شناسی رشد، مترجم: یحیی سید محمدی، نشر ارسباران.
- پروچاسکا، جیمز. ا.، نظریه‌های روان‌درمانی، مترجم: هامایاک آوادیس‌یانس، انتشارات رشد.
- ولف، آنتونی، رازهای تربیت فرزند از نوپایی تا نوجوانی، مترجم: منیژه جلالی، نشر ارجمند.
- عیسی‌مراد، ابوالقاسم، روان‌شناسی اجتماعی (۱۳۹۴)، موسسه فرهنگی منادی تربیت.



دفاع از پایان‌نامه



سرکار خانم ناهید قاسمی دانش‌آموخته دانشگاه آزاد اسلامی - واحد تهران جنوب از پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد خود با عنوان «نقش حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی در تاب‌آوری امدادگران جمعیت هلال احمر» به راهنمایی دکتر مجتبی دلیر با درجه عالی دفاع کرد. چکیده این پایان‌نامه در زیر آمده است:

چکیده

این پژوهش با هدف بررسی نقش حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی در تاب‌آوری امدادگران جمعیت هلال احمر اجرا گردید. تحقیق حاضر از نوع همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش را امدادگران جمعیت هلال احمر شهر تهران در سال ۹۷-۹۶ تشکیل دادند. نمونه پژوهش ۱۵۰ نفر از این امدادگران بودند که به صورت نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. در این پژوهش از مقیاس تاب‌آوری کانر و دیویدسون (۲۰۰۳)، پرسش‌نامه ارزیابی حمایت اجتماعی (۱۹۸۶) و مقیاس هیجان‌خواهی (۱۹۷۸) استفاده شد. اطلاعات به‌دست آمده با روش ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چندگانه مورد تحلیل قرار گرفتند. نتایج تحقیق نشان دادند که بین همه مولفه‌های هیجان‌خواهی با تاب‌آوری همبستگی معنی‌دار وجود دارد. بعلاوه، بین همه مولفه‌های حمایت اجتماعی با تاب‌آوری همبستگی معنی‌دار وجود دارد ($P < 0/01$). همچنین، نتایج تحلیل



رگرسیون نشان داد که هیجان‌خواهی و حمایت اجتماعی قدرت پیش‌بینی تاب‌آوری در بین امدادگران را دارند. با توجه به اهمیت تاب‌آوری در شرایط تنش‌زا در بین امدادگران، توصیه می‌شود میزان هیجان‌خواهی ایشان در آغاز همکاری بررسی شود و در ادامه نیز امکان دریافت حمایت اجتماعی برای امدادگران فراهم گردد.

کلید واژه‌ها: حمایت اجتماعی، هیجان‌خواهی، تاب‌آوری، امدادگران





خبرنامه پاییز ۱۳۹۸ انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران

www.iranianasp.ir



نشانی وبسایت رسمی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران





ماهنامه اینترنتی پروانه (۷)



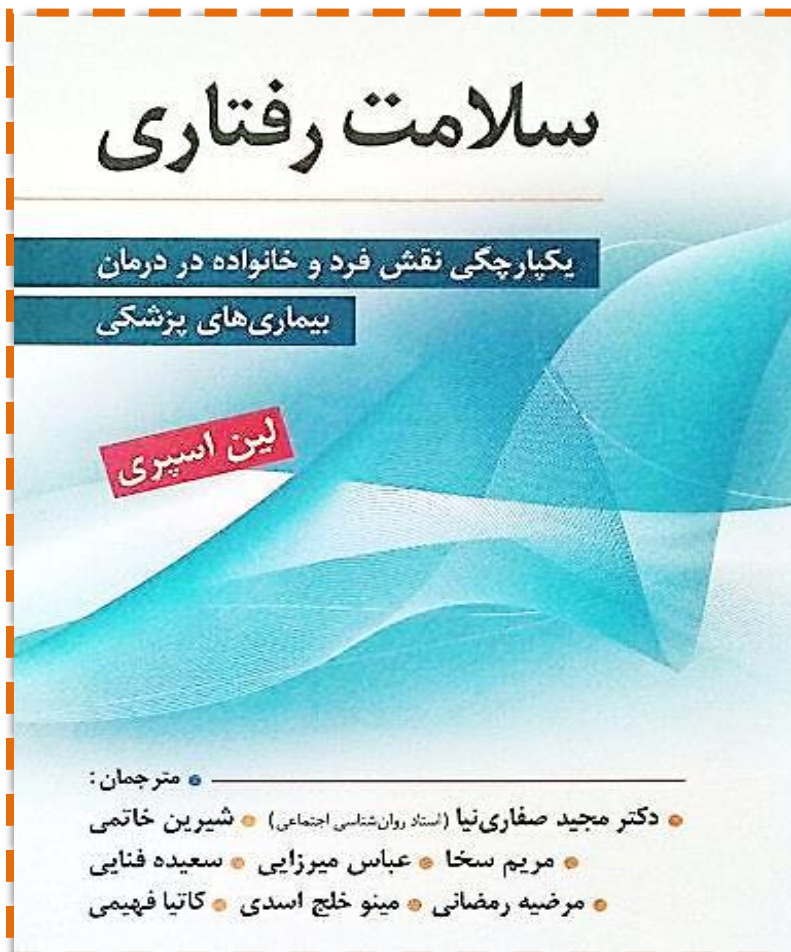
هفتمین شماره ماهنامه روان‌شناسی کودک و خانواده پروانه با بخش‌های زیر منتشر شد:

- ✓ سخن سردبیران - کلید طلایی رشد
- ✓ همدلی - نگاه از چشم دیگری
- ✓ تفکر انتقادی - در روابط عقلانی بین ایده‌ها و باورها
- ✓ کتاب‌چین - یک کتاب خوشمزه
- ✓ فیلم‌چین - صفر تا صد انیمیشن
- ✓ تماشاچین - جایگاه دین در تئاتر
- ✓ مهرچین - تحصیل؛ حق همه کودکان
- ✓ آواچین - جادوی گوش‌نواز - گفتگو با سحر پورحسینی
- ✓ دارچین - اهمیت تغذیه پیش از بارداری
- ✓ گلچین - یک نمایشگاه ده ساله
- ✓ سخن آخر

<http://koozeh.ir/issues.aspx?ID=1050>



معرفی کتاب (۱)



عنوان: سلامت رفتاری

نویسنده: لین اسپری

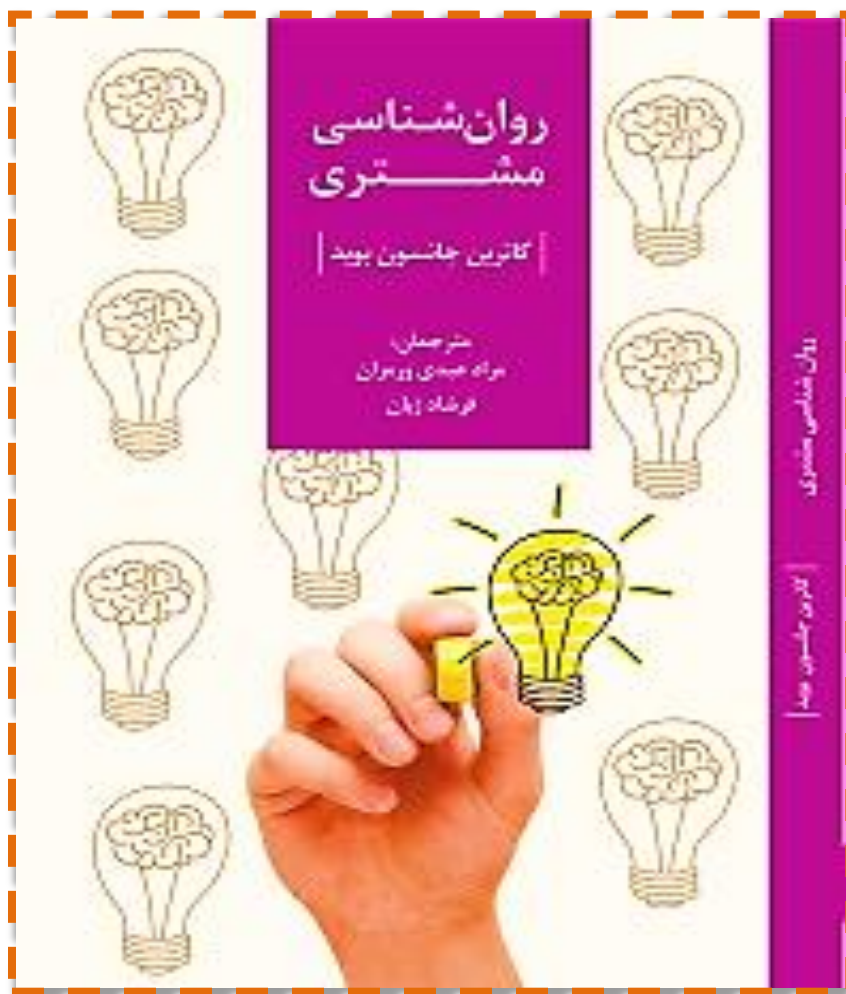
مترجمان: دکتر مجید صفاری‌نیا و همکاران

انتشارات: ارسباران

سال نشر: ۱۳۹۸



معرفی کتاب (۲)



عنوان: روان‌شناسی مشتری

نویسنده: کاترین جانسون بوید

مترجمان: مراد عبدی ورمزان و فرشاد ژیان

انتشارات: شناسنامه

سال نشر: ۱۳۹۷



درباره کتاب

روان‌شناسی برای کسانی که تمایل به شناخت انسان و رفتارهای وی دارند یک رشته اقناع‌کننده است. این علم با رشد و توسعه خود در راستای درک و تبیین رفتارهای انسان موفق بوده و توانسته است که راه خود را به تمامی حوزه‌های مرتبط با انسان اعم از درمان، موفقیت و استفاده از تمام استعدادها، رشد، اجتماع، سیاست، اقتصاد و بازار، محیط زیست، صنعت، آموزش و پرورش، و غیره بگشاید. مصرف نیز به عنوان یک رفتار انسانی از دیدگاه این علم دور نمانده و علم روان‌شناسی توانسته است که به افراد شاغل در عرصه کسب و کار نیز خدمات خود را ارائه دهد. کتاب روان‌شناسی مشتری کوشیده است که به ساده‌ترین صورت رفتار مصرفی انسان‌ها را مورد مطالعه قرار داده و متغیرها و عوامل موثر در احساس نیاز و جلب توجه وی به کالاها و خدمات مختلف را مورد بررسی قرار دهد. مطالعه این کتاب به تمامی افراد علاقمند به روان‌شناسی و شاغل در حوزه کسب و کار توصیه می‌شود.



اثر خود را معرفی کنید

همکاران فرهیخته در صورتی که مایل هستید کتاب شما در خبرنامه رسمی و پایگاه اینترنتی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران معرفی شود لطفاً یک نسخه از اثر خود را به آدرس تهران، خیابان کریم‌خان زند، نبش آبان شمالی، ساختمان دانشگاه علامه طباطبائی (ره)، طبقه دوم، اتاق ۲۰۹ دفتر انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران ارسال نمایید.

شماره تماس جهت هماهنگی ۸۱۰۳۲۲۱۳





شماره جدید نشریه‌های انجمن



www.socialpsychology.ir

فصلنامه پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی

شماره ۳۳ فصلنامه علمی - پژوهشی پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی منتشر شده و شماره ۳۴ به زودی منتشر خواهد شد. از همه پژوهشگران گرامی دعوت می‌شود تا مقالات پژوهشی خود را (فقط در زمینه‌های مرتبط با روان‌شناسی اجتماعی) به سایت این نشریه به نشانی اینترنتی www.socialpsychology.ir ارسال نمایند.

جهت دریافت رایگان مقالات این فصلنامه به نشانی پایگاه اینترنتی فوق مراجعه فرمایید.



فهرست مقالات چاپ شده در شماره ۳۳

- ۱- رابطه هیجان‌های منفی با وسوسه و احتمال مصرف افراد وابسته به مواد دارای بازگشت: نقش واسطه‌ای حمایت اجتماعی
- ۲- نقش حمایت اجتماعی و هیجان‌خواهی در تاب‌آوری امدادگران جمعیت هلال احمر
- ۳- طرحواره‌های شناختی پرخاشگر، شیوه‌های کنترل خشم و رضایت جنسی با گرایش مردان به خشونت علیه زنان
- ۴- تاثیر اهمال‌کاری تحصیلی بر بهزیستی روان‌شناختی: نقش‌های واسطه‌ای شناور بودن، عواطف مثبت- منفی و رضایت از زندگی
- ۵- مدلیابی معادلات ساختاری ارتباط دینداری و شیوه‌های فرزندپروری با معنا در زندگی مبتنی بر میانجی‌گری سبک‌های هویت در نوجوانان دختر
- ۶- نقش سرمایه اجتماعی و روان‌شناختی در پیش‌بینی صمیمیت زناشویی زوجین
- ۷- تدوین الگوی رضایت از زندگی براساس ویژگی‌های شخصیتی و حل مساله اجتماعی با میانجی‌گری بی‌تابی روانی در افراد متاهل



دوفصلنامه شناخت اجتماعی

پانزدهمین شماره دوفصلنامه شناخت اجتماعی (بهار و تابستان ۱۳۹۸) نیز با همکاری دانشگاه پیام‌نور و انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران به چاپ رسیده و علاقمندان می‌توانند از مقالات علمی- پژوهشی آن استفاده کنند. نشانی اینترنتی این نشریه جهت ارسال مقاله <http://sc.journals.pnu.ac.ir> است.





شرایط عضویت در انجمن

علاقه‌مندان به عضویت در انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران لازم است تا از طریق وب‌سایت انجمن به صورت آنلاین اقدام نمایند و یا به صورت حضوری به یکی از دفاتر انجمن مراجعه نمایند. برای تمدید عضویت سالانه نیز لطفاً کارت عضویت و فیش بانکی را به دفتر انجمن پست نموده و یا به صورت حضوری مراجعه نمایید.

مبلغ حق عضویت

مطابق مصوبه مجمع عمومی انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران که در مورخه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۱ در محل دانشکده روان‌شناسی و علوم تربیتی دانشگاه تهران برگزار شد، مبلغ حق عضویت را به شرح زیر اعلام می‌نماید:

عضویت پیوسته

موسسان انجمن، کلیه افرادی که حداقل دارای درجه کارشناسی‌ارشد در رشته روان‌شناسی اجتماعی و رشته‌های وابسته باشند می‌توانند به عضویت پیوسته انجمن درآیند. (حق عضویت سالانه یکصد و پنجاه هزار ریال)

عضویت وابسته

اشخاصی که دارای درجه کارشناسی هستند و به مدت پنج سال در یکی از رشته‌های وابسته شاغل باشند می‌توانند به عضویت وابسته انجمن درآیند. (حق عضویت یکصد هزار ریال)

عضویت دانشجویی

کلیه دانشجویانی که در رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی، جامعه‌شناسی، و مدیریت و رشته‌های نزدیک با کارت معتبر مشغول به تحصیل باشند می‌توانند به عضویت انجمن درآیند. (حق عضویت یکصد هزار ریال)



همکاری در تدوین خبرنامه



خبرنامه انجمن روان‌شناسی اجتماعی ایران همانند گذشته در نظر دارد مطالب و اخبار روزآمد در زمینه روان‌شناسی، روان‌شناسی شخصیت و به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی ارسال شده توسط شما را با نام خودتان در شمارگان آتی درج نماید، لذا از تمامی اساتید، همکاران، دانشجویان، و سایر علاقمندان دعوت می‌شود مطالب خود را در زمینه‌های زیر به رایانامه ذیل ارسال نمایید.

- ۱- اخبار پژوهش‌های روزآمد روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی)
- ۲- اخبار همایش‌ها و کنگره‌های روان‌شناسی (ملی و بین‌المللی)
- ۳- اخبار چاپ کتاب‌های روان‌شناسی اجتماعی (و حوزه‌های مرتبط)
- ۴- چکیده پایان‌نامه‌های تحصیلات تکمیلی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی
- ۵- اخبار رویدادهای حرفه‌ای روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی)
- ۶- اخبار چاپ نشریه‌های علمی - پژوهشی روان‌شناسی



۷- اخبار نتایج پژوهش‌های نوین ملی و بین‌المللی روان‌شناسی (با تأکید بر حوزه روان‌شناسی اجتماعی)

۸- معرفی نشریه‌های جدید روان‌شناسی (روان‌شناسی اجتماعی و شخصیت)

۹- معرفی سایت‌های علمی در حوزه روان‌شناسی اجتماعی

و سایر مطالب روزآمد حوزه حرفه‌ای روان‌شناسی (به‌ویژه روان‌شناسی اجتماعی) که خواستار به اشتراک گذاشتن آن‌ها با دیگر همکاران هستید.

dalirasp@gmail.com





پاییزتان پُر از رنگ‌های قشنگ



IRANIAN ASSOCIATION OF SOCIAL PSYCHOLOGY